



۳۰ روش آموزش زبان

نویسنده:

اسکات تورنبری

مترجم:

دکتر افسانه غریبی

(پژوهشگر بنیاد سعدی)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	تورنبری، اسکات، ۱۹۵۰ - م. Thornbury, Scott
عنوان و نام پدیدآور	۳۰ روش آموزش زبان / نویسنده اسکات تورنبری؛ مترجم افسانه غریبی.
مشخصات نشر	تهران: نشر نویسه پارس، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	۲۲۰ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۹-۴۵-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: Scott Thornbury's 30 Language Teaching Methods
عنوان گسترده	سی روش آموزش زبان.
موضوع	زبان -- راهنمای آموزشی -- روش شناسی
موضوع	Language and languages -- Study and teaching -- Methodology
موضوع	معلمان -- اثر بخشی Teacher effectiveness
شناسه افزوده	غریبی، افسانه، ۱۳۶۰ -، مترجم
رده بندی کنگره	۵۱ P
رده بندی دیویی	۴۷۸/۰۰۷۱
شماره کتابشناسی. مل.	۶۱۹۴۹۶۱



۳۰ روش آموزش زبان

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Scott Thornbury's 30 Language Teaching Methods

Scott Thornbury

© Cambridge University Press 2017

نویسنده: اسکات تورنبری Scott Thornbury

مترجم: دکتر افسانه غریبی

آتلیه نشر نویسه پارسی: StudioFive

ناشر: نشر نویسه پارسی

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

نماینده فروش: کتابفروشی توس: ۶۶۴۶۱۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۹-۴۵-۲

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسی» است.
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

شماره مسلسل انتشارات	زبان‌شناسی کاربردی
۱۰۷	۱۵



۷.....	پیشگفتار مترجم
۱۱.....	چرا این کتاب را نوشتیم؟
۱۳.....	چند یادداشت در مورد اصطلاحات
۱۴.....	چگونگی ساماندهی این کتاب
۱۶.....	اختصارات

■ بخش اول: روش‌های طبیعی ۱۷ ■

۱۹.....	۱. غوطه‌وری کامل
۲۵.....	۲. روش / رویکرد طبیعی
۳۱.....	۳. روش مستقیم
۳۷.....	۴. روش شفاهی
۴۳.....	۵. روش خواندن
۴۹.....	۶. روش شنیداری - گفتاری
۵۵.....	۷. روش پاسخ فیزیکی کامل

■ بخش دوم: روش‌های مبتنی بر زبان ۶۱ ■

۶۳.....	۸. توضیح متن
۶۹.....	۹. حفظ کردن متن
۷۵.....	۱۰. دستور ترجمه
۸۱.....	۱۱. رویکرد واژگانی
۸۷.....	۱۲. آموزش متن محور
۹۳.....	۱۳. روش تطبیقی

■ بخش سوم: روش‌های ارتباطی ۹۹ ■

۱۰۱.....	۱۴. رویکرد موقعیتی
----------	--------------------

۱۵. تدریس ارتباطی زبان ۱۰۷
۱۶. آموزش تکلیف محور زبان ۱۱۳
۱۷. آموزش توانش - مبنا ۱۱۹
۱۸. یادگیری کلیت زبان ۱۲۵
۱۹. آموزش محتوای محور ۱۳۱
۲۰. آموزش زبان انگلیسی به روش دگمه / آموزش بی اتصال ۱۳۷

■ بخش چهارم: روش های نظریه گرا ۱۴۳ ■

۲۱. یادگیری جمعی زبان ۱۴۵
۲۲. روش تلقینی ۱۵۱
۲۳. روش صامت ۱۵۷
۲۴. انگلیسی دیوانه و روش تدریس راسیاس ۱۶۳

■ بخش پنجم: روش های خودآموز ۱۶۹ ■

۲۵. شرق شناسان ۱۷۱
۲۶. «نظام تسلط» پرندرگاست ۱۷۷
۲۷. روش تدریس هایی با برند نام اشخاص: اسیمیل، مایکل توماس، پیملور ۱۸۳
۲۸. آموزش تحت برنامه های رایانه ای: دوئولینگو ۱۸۹
۲۹. چند زبانه های اینترنتی ۱۹۵

■ بخش ششم: پسا روش ۲۰۱ ■

۳۰. آمیزگری با نظم ۲۰۳

واژه نامه ۲۰۷

کتاب ۳۰ روش تدریس، بعد از کتاب «صد نکته تدریس از زبان پنی ار» دومین کتاب از مجموعه «هنر معلمی» است که توفیق ترجمه آن را پیدا کردم. هنگامی که پذیرفتم دست به کار ترجمه شوم، نه شیفته شعبده اعداد شدم و نه فریفته ایجاز متن، که البته هر دو ویژگی کم هم اغواکننده نبودند. اما در واقع دو ویژگی دیگر من را به این سفر اندکی خطیر کشاند: نظم و چیدمان خاص و زبان منحصر به فرد نویسنده. همان گونه که نویسنده در پیشگفتار خود به صورت مستقیم و در جای جای کتاب به صورت تلویحی اشاره دارد، «دوره‌های تربیت مدرس معمولاً واحد درسی‌ای درباره تاریخچه روش‌های آموزش زبان دارند» و همین واژه تاریخیچه است که مسئله‌ساز است. نظم موجود در بیشتر منابعی که به بررسی روش‌های آموزش زبان اختصاص دارند، بر مبنای سیر تاریخی است و این نوع چیدمان درباره دانشی که فقط روایت رویدادها نیست و لازم است با توضیح‌ها و تحلیل‌های دیگری هم همراه شود، شاید کمی خسته‌کننده باشد. نظم کتاب حاضر اما، تاریخ نیست، علم است و به مثابه علم، معیار طبقه‌بندی در آن، خاصیت عناصر است. من چندبار کتاب را ترجمه کردم و چندبار هم آن را خواندم تا به روح این باور نویسنده در کل کتاب پی ببرم که «روش‌ها نه تنها در بازه‌های زمانی طولانی همزمان با هم وجود داشته‌اند، بلکه به طور مداوم با همان عناصر اولیه از نوبه وجود آمده‌اند.» و اکنون معتقدم این فراز و فرود در زندگی روش‌ها متوقف نشده است. همچنان ادامه دارد و هر مدرسی که گذارش به کلاس آموزش زبان می‌افتد لازم است از آن آگاه باشد. یک روش در بخشی از «تاریخیچه» به حکم گذر زمان، نمی‌میرد، بلکه ممکن است امروز و در همین لحظه در روح مدرسی خلاق جان بگیرد و دوباره به شکلی نو جلوه کند. زیرا نظم تاریخی بر سیر روش‌های تدریس حاکم نیست.

تغییر نگاه از نظم تاریخی به نظم منطقی فقط خاصیت جذب مخاطب ندارد. چه بسا هستند منابعی در این حوزه که هم نگاه تاریخی خود را حفظ کرده‌اند و هم مخاطب را. در واقع آنچه این کتاب را شایسته خواندن می‌کند و گستره ارتباط آن را

از محدوده منابع تجاری به فضای منابع دانشگاهی می‌رساند مسأله‌ای بس مهم‌تر است: تفکر انتقادی.

تا چندی پیش تفکر - و حتی نه از نوع انتقادی آن - خاص طبقه فرهیخته محسوب می‌شد، اما امروز سن تفکر - حتی از نوع انتقادی آن - به زیر سن دانشگاه رسیده است، مثل آن نوع اندیشه‌ای که در حوزه سواد رسانه‌ای از عموم مردم انتظار می‌رود. در چنین شرایطی، اگر در سطح کارشناسی انتظار داریم دانشجویان نسبت به اطلاعات دریافتی و فرایندهایی که بر آنها اعمال می‌شود از جمله توصیف و طبقه‌بندی و نقد و تفسیر، قدرت موضع‌گیری داشته باشند، دست کم از سطح کارشناسی ارشد و بالاتر باید توقع داشته باشیم موضع‌گیری از نوع تفکر انتقادی باشد.

بسیاری از منابعی که در حوزه تاریخچه روش‌های آموزش با عنوان اصول و نظریه‌های آموزش زبان داریم، تلاش دارند نظم تاریخی داشته باشند و در این نظم، ناگزیر باید عوامل بیرون از این حوزه را بسیار مؤثر بدانیم: جنگ، مهاجرت، تکنولوژی و ... اما چیدمانی که از سیر تاریخی فاصله می‌گیرد و به طبقه‌بندی نزدیک می‌شود، مخاطب را به چالش می‌کشد تا در خود روش هم، به دنبال ویژگی‌هایی باشد که به مرگ، تکوین یا تناسخ آن منجر شده است. این نظم نقادانه به مدرسان سرنخ‌ها و ابزارهایی به دست می‌دهد تا در شناخت عناصر یک طبقه و روش‌های یک گروه از سطح کارآیی مشاهده‌ای فراتر روند و به سطح کارآیی توصیفی برسند و در نهایت - آرزوی من و دنیای آموزش زبان هم همین است - بتوانند چرایی یک طبقه‌بندی را مشخص کنند و شاید هم دست به طبقه‌بندی جدید بزنند.

اعتراف می‌کنم که علت دیگر ترجمه این کتاب یک مسأله شخصی بود: زورآزمایی من با زبان کتاب. ماجرا مانند افسانه‌های پریان بود. ساختار جمله، تکه‌های یک کوزه شکسته بود در دست من، معنا کوزه‌گری در شهری دور و منظور - از آن هم بدتر - پیری دانا در نوک قله‌ای صعب‌العبور. من مبهوت زبان نویسنده شدم. دایره دانش زبانی نویسنده بسیار وسیع است و تا حوزه‌های نجوم و

فیزیک و علوم و اجتماعی و مانند آن هم رسیده است. نویسنده بسیار تلاش کرده است بلاغت خود را با این دایره اصطلاحات وسیع خود در هم آمیزد و آشکارا نتیجه مهارت خود را به رخ خواننده بکشد. برای برگردان این نوع اصطلاحات و ساختارها که تعدادشان در متن اصلی فراوان است، ناچار باید بسیار جستجو می‌کردم و بسیار تأمل؛ تا هم زور بازوی نویسنده حیف نشود و هم انتقال پیام آسیب نبیند. من مبهوت شدم اما مرعوب نه. و امیدوارم حق مطلب را ادا کرده باشم. زیرا به واقع اعتقاد دارم این کتاب باید منبعی باشد در دست هر مخاطبی که صرف نظر از رشته یا حوزه تخصصی خود، جامهٔ مدرس زبانی بر تن کرده است، یا خواهد کرد.

و چه چیز شیرین‌تر از این که سپاسگزار خداوند حکیم و رحیم باشم که توفیق این کار را نصیب این بنده کرد. و انصاف حکم می‌کند طلب سلامت و موفقیت بسیار از خداوند داشته باشم برای آقای امیر احمدی، مدیر محترم نشر نویسه پارسی، به خاطر تلاش‌های ویژهٔ ایشان برای تهیهٔ متن اصلی این کتاب، پیگیری ترجمه و تنظیم آن برای مجموعه. کار ترجمهٔ این کتاب ابتدا قرار بود کاری مشترک باشد با یاری یکی از دانش‌جویانم، خانم زهرا حاجی مؤمنی. متأسفانه با وجود تلاش ایشان برای انجام قسمتی از کار، -و برنامه‌ریزی من و ناشر- همکاری کامل امکانپذیر نشد. از خانم حاجی مؤمنی متشکرم و برای ایشان آرزوی بهترین اتفاق‌ها را دارم.

خرداد ۱۳۹۹

افسانه غریبی

در پناه حق باشید.

چرا این کتاب را نوشتیم؟

«یک کتاب دیگر درباره روش تدریس؟ من گمان می‌کردم روش‌های تدریس مرده‌اند. فکر می‌کردم اکنون در دورهٔ پسامدرن به سر می‌بریم.»

این درست است که از مفهوم «روش»^۱ امروزه عموماً در پیشینه آموزش زبان پرهیز می‌شود. حتی از مدت زمانی دورتر، و از سال ۱۹۶۹ ال.جی. کلی^۲، در بررسی خود از آموزش زمان در طی ۲۵ قرن گذشته، اذعان کرد که «روش‌های تدریس، فایده چندانی ندارند». اچ.اچ. استرن^۳ (۱۹۸۳) هم به همین شیوه «از مفهوم روش تدریس» اعلام برائت کرد، و این امر تا حدی به خاطر عدم موفقیت پژوهشگران برای یافتن هرگونه مزیت مشخصی در یک روش تدریس در مقابل روشی دیگر بود. در سال ۱۹۹۰، ان.اس. پرابهو^۴ مقاله‌ای تأثیرگذار نوشت با نام «چیزی به نام بهترین روش وجود ندارد - چرا؟»^۵ و در سال‌های بعد از آن، دی آرایت^۶ مقاله دیگری با عنوان «مرگ روش تدریس»^۷ منتشر ساخت.

به تبع آن، ب. کومار اوادیولو^۸ (۱۹۹۴) مفهومی را شناسایی کرد که خود آن را «وضعیت پساروش»^۹ نامید. این مفهوم نتیجه «نارضایتی‌های گسترده از مفهوم قراردادی روش تدریس» بود. تقریباً در همان زمان، آدریان هالیدی^{۱۰} (۱۹۹۴) مشغول مباحثه بر سر مصداقی بود برای «روش تدریس مناسب»؛ روش تدریسی که باید بیش از همه، به فرهنگ هر منطقه حساس باشد - و روش تدریس‌های وارداتی احتمالاً اینگونه نبودند.

با وجود این، دست کم در تصور عموم، وفاداری به مفهوم روش تدریس به قوت خود باقی است. وبسایت‌هایی که روش‌های جدید و اصلاح‌شده برای یادگیری

¹ method

² L.G. Kelly

³ H. H. Stern

⁴ N.S. Prabhu

⁵ *There is no best method - why?*

⁶ D. Allwright

⁷ *The Death of Method*

⁸ B. Kumaravadivelu

⁹ postmethod condition

¹⁰ A. Holliday

زبان را تبلیغ می‌کنند، فراوانند. در اینجا برخی از شعارهای تبلیغاتی این وبسایت‌ها که تصادفی انتخاب شده‌اند را می‌بینیم:

یادگیری یک زبان خارجی با روش *الف* آسان است. روش بسیار

تحسین برانگیز ب، به شما فرصت می‌دهد یک زبان جدید را به‌طور طبیعی

یاد بگیرید. بالغ بر ۱۵ سال، روش پ روشی منحصر به فرد برای آموزش

زبان‌ها ارائه و آن را به بهترین شکل ارتقاء داده است.

علاوه بر آن، دوره‌های تربیت مدرس معمولاً واحد درسی‌ای درباره تاریخچه روش‌های آموزش زبان دارند. مدرسان در کل شیفته تنوع روش‌هایی هستند که تا کنون ارائه شده‌اند و اغلب علاقمندند آنها را تجربه کنند. در واقع همانطور که دی. بیل^۱ (۲۰۰۷) در طی یک دوره تربیتی با چند مدرس دریافت، «روش‌ها، با هر تعریفی که داشته باشند نمرده‌اند. به نظر می‌رسد مدرسان، هم آگاه از مفید بودن روش تدریس‌ها هستند و هم آگاه از نیاز به گذر به فراسوی آنها».

یکی از جذابیت‌های روش‌های تدریس این است که الگوهای منسجمی برای خلق رویه‌های کلاس پیشنهاد می‌دهند. این روش به ایجاد ساختاری کمک می‌کند که - هم برای معلمان و هم برای فراگیران - تجربه‌ای است بالقوه و برحسب اتفاقات کلاس به دست می‌آید. روش تدریس پاسخ به سؤالاتی از این قبیل را فراهم می‌کند: از کجا شروع کنیم؟ از چه مواد و فعالیت‌هایی باید استفاده کنیم؟ با چه نظمی؟ به چه هدفی؟ به‌ویژه، برای معلمان تازه‌کار، روش‌های تدریس، سیر زندگی ارائه می‌دهند. برای معلمان باتجربه‌تر، یک بسته راهنمایی ارائه می‌دهند که بتوانند با شرایط خود آن را متناسب کنند. همانطور که ریچاردز و راجرز^۲ (۲۰۱۴) بیان کردند، «روش‌های تدریس را می‌توان نه به‌عنوان دستورات تجویزی برای شیوه تدریس، بلکه به‌عنوان منبعی از شیوه‌های مناسب که قبلاً تجربه شده‌اند، مطالعه کرد؛ که مدرسان بر اساس نیازهای خودشان آنها را سازگار یا اجرا می‌کنند.»

¹ D. Bell

² Richards and Rodgers

البته، اگر ما به یک روش تدریس اعتقاد نداشته باشیم، آن روش مفید نخواهد بود - اگر به تعبیر پرابهو (۱۹۹۰)، روش تدریس با حس عقلانیت معلم مغایرت داشته باشد. باورها در مورد یادگیری و زبان، زیربنای همه روش‌های تدریس هستند و حتی اگر همیشه هم مبانی یادگیری و زبان‌شناختی یک روش روشن نباشد، باز هم ما باید با آنها احساس هماهنگی داشته باشیم.

اما اگر روش متناسب باشد، اگر باورهای ما در سراسر آن مشهود باشد، احتمال مفید بودنش بیشتر است - نه به این خاطر که روش به خودی خود مطمئن و کامل است (یادمان باشد که «بهترین روش وجود ندارد»)، بلکه به این دلیل که به معلم نسبت به کارآیی خودش تا حدی حس اعتماد می‌دهد. جین اسپرو^۱ (۲۰۱۳) خیلی خوب می‌گوید: عامل مهم موفقیت، تعهد و اعتقاد معلم به روش‌هایی است که به کار می‌برد، و به بازتابی است که همواره در این باره می‌دهد که آیا این روش‌ها تفاوت‌های مثبت ایجاد می‌کنند یا نه».

بنابراین، این کتاب قصد دارد - نه فقط تاریخچه روش‌ها - بلکه اعتقاداتی که در زیربنای آنها وجود دارد و مزایایی که هنوز هم ممکن است از آزمودن آنها حاصل شود، را نشان دهد.

چند یادداشت در مورد اصطلاحات

همه روش‌های موجود در این کتاب هم، از ویژگی روش به عنوان بخشی از نام خود برخوردار نیستند: بعضی از آنها رویکرد نامیده می‌شوند، و یکی هم فقط یک شیوه است. اما همه آنها همراستا با این تعریف دیوید نونان^۲ (۲۰۰۳) هستند: «روش تدریس زبان، مجموعه‌ای از رویه‌های واحد است که معلمان باید در کلاس آنها را دنبال کنند. روش‌ها معمولاً مبتنی بر مجموعه‌ای از باورها در مورد ماهیت زبان و یادگیری هستند». البته محققان هم بلافاصله اظهار داشتند که هیچ دو معلمی دقیقاً به یک شیوه، روشی را اجرا نمی‌کنند - از این رو این ایده که روش

^۱ J. Spiro

^۲ D. Nunan

«مجموعه‌ای از رویه‌ها» ست، ناگزیر ایده‌ای مطلوب تلقی می‌شود. به همین دلیل، من تمایزی که اغلب بین دو اصطلاح روش و رویکرد قائل می‌شوند را نادیده می‌گیرم، زیرا برحسب آنچه در کلاس واقعی اتفاق می‌افتد فرق چندانی ندارند.

از سوی دیگر، روش کلاسی یک اصطلاح عمومی‌تر برای توصیف رویه‌های کلاس درس، فعالیت‌هایی که معلمان انتخاب می‌کنند - مانند تصحیح خطا، کار گروهی یا مشاهده فیلم - و شیوه‌ای است که این کارها در کلاس مدیریت می‌شوند؛ صرف نظر از روش خاصی که این کارهای کلاسی به آن منسوب هستند.

چگونگی ساماندهی این کتاب

بیشتر دوره‌های تربیتی و متن‌های مرتبط با روش‌های کلاسی، بخشی را به «تاریخچه روش‌های تدریس» اختصاص می‌دهند و این بخش معمولاً در قالب یک روایت «مدرن‌گرا» است، یعنی یکی از جریان‌های بی‌وقفه از «تاریکی به نور». در حقیقت، مطالعه دقیق‌تر این تاریخچه نشان می‌دهد که این امر بیش از حد ساده شده است، و روش‌ها نه تنها در بازه‌های زمانی طولانی همزمان با هم وجود داشته‌اند، بلکه به طور مداوم با همان عناصر اولیه از نوبه وجود آمده‌اند. بنابراین هدف این کتاب، مقابله با روایت سنتی از گروه‌بندی روش‌ها بر اساس مشترکاتشان است، حتی اگر به موقع از هم جدا شده باشند؛ و نیز مقابله با این دیدگاه که روش‌ها «می‌میرند» و دیگر چیزی برای ارائه به ما ندارند.

انتخاب روش‌ها تحت تأثیر چندین عامل است: در درجه اول، قدرت تأثیر آنها در طی زمان (مثلاً روش مستقیم، آموزش زبان ارتباطی)، یا، برعکس، عدم موفقیت نسبی آنها در پذیرش از سوی عموم، با وجود شایستگی‌های ذاتی آنها (به عنوان مثال روش مقایسه‌ای، حفظ کردن متن). احیای این «روش‌های از یاد رفته» به دلیل آنچه هنوز برای ارائه به ما در وجودشان هست، دلیل دیگری بر این است که من این کتاب را نوشتم. این کتاب همچنین شامل آن نوع شیوه‌هایی است که مردم با آنها زبان‌هایی را یاد می‌گیرند که مبتنی بر کلاس نیستند، و از این طریق تعریف نونان (در بالا) را تا مرز روش‌های خودآموزی و حتی غوطه‌وری گسترده می‌کند.

در عین حال، این کتاب انتظار ندارد که جامع باشد، نه از نظر روش‌هایی که پوشش می‌دهد و نه از لحاظ جزئیاتی که هر روش با آنها توصیف شده است. محدودیت فضا اجازه این کار را نمی‌دهد.

با وجود این محدودیت‌ها، امید می‌رود که نه تنها درک وسیع‌تری از شیوه‌های متعددی که زبان‌ها را با آنها می‌آموزند - و آموخته‌اند - به دست آورید، بلکه در موقعیت بهتری قرار بگیرید که بتوانید برخی از اقدامات فعلی [در حوزه آموزش زبان] را ارزیابی کنید - یک گام ضروری در پیشرفت حرفه‌ای ما.

اختصارات

برای صرفه جویی در فضا و پرهیز از تکرار، فهرستی از اختصارات استفاده شده در این کتاب آورده شده است:

EFL = انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی

ELF = انگلیسی به عنوان زبان میانجی

ESL = انگلیسی به عنوان زبان دوم

ELT = آموزش زبان انگلیسی

L1 = زبان اول / زبان مادری

L2 = زبان دوم (یا افزوده)

SLA = فراگیری زبان دوم

TESOL = آموزش انگلیسی به گویشوران سایر زبان‌ها

Bell, D. (2007) "Do teachers think that methods are dead?" *ELT Journal*, 61: 135–143.

Holliday, A. (1994) *Appropriate Methodology and Social Context*. Cambridge: Cambridge University Press.

Kelly, L.G. (1969) *25 Centuries of Language Teaching: 500 BC – 1969*. Rowley, MA: Newbury House.

Kumaravadivelu, B. (1994) "The Postmethod condition: (E)merging strategies for second/foreign language teaching". *TESOL Quarterly*, 28: 27–48.

Nunan, D. (ed.) (2003) *Practical English Language Teaching*. New York: McGraw-Hill.

Prabhu, N.S. (1990) "There is no best method – why?" *TESOL Quarterly*, 24: 161–176.

Richards, J. C. and Rodgers, T.S. (2014) *Approaches and Methods in Language Teaching* (3rd. edition). Cambridge: Cambridge University Press.

Spiro, J. (2013) *Changing Methodologies in TESOL*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

Stern, H.H. (1983) *Fundamental Concepts of Language Teaching*. Oxford: Oxford University Press.

بخش اول: روش‌های طبیعی

بخش اول این کتاب، روش‌هایی را برمی‌شمرد که بی‌ربط به آنها ویژگی «طبیعی» داده‌لند. به این معنا که این روش‌ها از فرآیندهایی که افراد با آنها، زبان اول را فرا می‌گیرند یا با آنها زبان دوم را بدون آموزش رسمی یاد می‌گیرند - یا الگوبرداری می‌کنند یا قصد دارند الگوبرداری کنند.

(۱) غوطه‌وری کامل

(۲) روش یا رویکرد طبیعی

(۳) روش مستقیم

(۴) روش شفاهی

(۵) روش خواندن

(۶) روش گفتاری- شنیداری

(۷) روش پاسخ فیزیکی کامل

غوطه‌وری کامل



در یادگیری یک زبان دیگر، چه روشی طبیعی‌تر از آن که خودتان را در فرهنگی که به آن زبان صحبت می‌کنند غوطه‌ور کنید؟ غوطه‌وری همچنین راهی است که افراد بیش از هر راه دیگری آن را تجربه کرده‌اند: بیشتر افراد، زبان را از طریق غوطه‌وری کامل^۱ بیش از هر طریق دیگری فرا گرفته‌اند.

پیشینه

شاید عجیب به نظر برسد که کتابی در مورد روش تدریس با یک «بی‌روشی» آغاز شود. اما، قدمت روش غوطه‌وری به صدها هزار سال قبل از به وجود آمدن مفهوم روش، بازمی‌گردد. از آن زمان تا کنون، انسان‌ها از جامعهٔ زبانی خود کوچ کرده‌اند - یا مجبور به کوچ شده‌اند - و در معرض دیگر زبان‌ها قرار گرفته‌اند و با توجه به زمان و انگیزه‌ای که داشتند این زبان‌ها را - گاهی تا سطوح بالایی از مهارت - آموخته‌اند. بنابراین، روش غوطه‌وری، معیاری به دست می‌دهد که موفقیت دیگر روش‌های تدریس براساس آن ارزیابی می‌شود.

مورد «جولی» را برای نمونه ببینیم. جولی یک زن بریتانیایی بود که در سن ۲۱ سالگی با یک مرد مصری ازدواج کرد و در قاهره ساکن شد. او هیچ‌گاه در کلاس‌های زبان مصری یا عربی شرکت نکرده بود و نمی‌توانست به آن زبان بخواند و بنویسد. ولی تنها در عرض دو سال و نیم تبدیل به یک گویشور بومی شد. به‌راستی، او چگونه موفق شد به این مهارت دست یابد؟ به گفتهٔ پژوهشگرانی که دربارهٔ جولی مطالعه می‌کردند (ایوپ^۲ و همکاران ۱۹۹۴)، موفقیت او احتمالاً به این دلیل بود که او کاملاً در زبان عربی غوطه‌ور شده بود:

¹ Total immersion

² Ioup

۹ روز پس از رسیدن جول۱ و همسرش به قاهره، ناگهان همسر جول۱ به خدمت سربازی فراخوانده شد و او ۴۵ روز بدون وجود هیچ خوشاوند انگلیسی‌زبانی در قاهره تنها ماند. از آنجا که کسی نبود تا با او به زبان انگلیسی صحبت کند، او به بافت و حرکات بدن و قیافه افراد برای درک گفته‌ها و انتقال معنا تکیه کرد. در نتیجه، مراحل اولیهٔ فراگیری زبان عربی در او، به محیط فراگیری زبان اول در کودکان شبیه شد.

هنگامی که همسر جول۱ بازگشت، جول۱ قادر بود با استفاده از جملات ساده و عبارات اصطلاحی با خانوادهٔ همسر خود ارتباط برقرار کند و بعد از گذشت شش ماه او کاملاً روان صحبت می‌کرد. فرآیند غوطه‌وری با کارکردن وی در یک مدرسهٔ مصری همچنان ادامه پیدا کرد و بعد از سه سال زندگی در مصر، او دیگر برای ارتباط با همسر و فرزندان خود از زبان انگلیسی استفاده نمی‌کرد: زبان عربی حقیقتاً به زبان اصلی خانه تبدیل شده بود (البته فرزندان آن‌ها دوزبانه شدند).

مورد جول۱ یک مورد استثنایی بود، زیرا با وجود اینکه او فراگیری زبان دوم را در بزرگسالی آغاز کرد، به درجه‌ای از مهارت رسید که معمولاً در بزرگسالان کمتر اتفاق می‌افتد. اما موقعیت غوطه‌وری ناگهانی در یک محیط زبانی و اجبار به یادگیری طبیعی زبان، برای اغلب مهاجران موقعیتی آشناست، حتی اگر هیچ‌گاه به مهارت گویشور بومی نرسند. و اگرچه این مسأله که غوطه‌وری به این ترتیب یک روش تدریس محسوب می‌شود یا نه، مورد بحث و جدل است، اما - با استناد به ماجراهایی مانند مورد جول۱ - باوری در میان مردم وجود دارد که اگر شما مجبور هستید زبان دومی را بیاموزید، بهترین کاری که می‌توانید بکنید این است که سوار هواپیما بشوید و به کشوری بروید که در آنجا به آن زبان صحبت می‌کنند. در حقیقت، در بسیاری از روش‌هایی که پشت‌ویرتینی^۲ هستند و نه کاربردی، مثل روش طبیعی (نک. فصل ۲)، سعی بر این است که تجربهٔ غوطه‌وری شبیه‌سازی شود.

¹ Julie

² off the shelf